

توصیف و تحلیل جامعه شناختی طلاق در شهرستان قروه

وحیده اسکندری^۱، میلاد عبدالملکی^۲

۱ عضو هیئت علمی رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور قروه (کردستان) - ایران

۲ فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور قروه

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

وحیده اسکندری

eskandari4157@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از روش تمام شماری و تحلیل ثانوی اطلاعات به بررسی علل جامعه شناختی طلاق در میان زوجین متقاضی طلاق شهرستان قروه (استان کردستان) می پردازد و قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد: عوامل مؤثر بر درخواست طلاق در شهرستان قروه کدام است؟ جامعه آماری پژوهش، زوجین متقاضی طلاق در شهرستان قروه در سال ۱۳۹۲ است که طی آن اطلاعات موجود در ۲۳۰ پرونده های متقاضی طلاق موجود در اداره بهزیستی شهرستان قروه به صورت تمام شماری تحلیل ثانوی گردید. به استناد یافته های پژوهش، ده علت درخواست طلاق شناسایی شدند که در بین آنها، عدم شناخت قبل از ازدواج (۹۳ درصد)، خشونت علیه زنان (۶۴/۸)، دخالت دیگران در زندگی زوجین (۶۳ درصد)، عدم مسئولیت پذیری (۶۰/۹ درصد)، سوء مصرف مواد مخدر (۵۹/۶ درصد)، از بیشترین فراوانی برخوردار بودند. به علاوه نتایج حاصل از آزمون فرضیات، ارتباط معنادار متغیرهای "عدم شناخت قبل از ازدواج"، "خشونت علیه زنان"، "دخالت دیگران در زندگی زوجین"، "عدم مسئولیت پذیری"، "سوء مصرف مواد مخدر"، "اختلاف سنی زوجین"، "مردسالاری"، "بیکاری" و "عدم مهارت های ارتباطی" را با متغیر وابسته "طلاق" نشان داد. بین متغیر تفاوت منزلت اجتماعی زوجین و طلاق ارتباط معناداری مشاهده نشد.

کلید واژه ها: پیامدهای طلاق، عدم شناخت قبل از ازدواج، خشونت علیه زنان، دخالت دیگران در زندگی زوجین، عدم مسئولیت پذیری.

مقدمه و بیان مسأله

مسائل اجتماعی بر طبق تعریف، حالت اجتماعی اموری هستند که نیروها و لایه های اجتماعی مسلط آنها را تایید نمی کنند و در نتیجه مشکلات را به وجود می آورند که نیازمند حل و رفع است به این اعتبار مسائل اجتماعی سه ویژگی اساسی دارند: اولاً ذاتاً اجتماعی اند؛ ثانیاً مستقیماً از ساختار نظام اجتماعی سرچشمه می گیرند؛ وثالثاً از همان آغاز پیدایش خواست و اراده ای اجتماعی برای مقابله با خود را نیز پدید می آورند. [۱]. جامعه شناسان معتقدند: زمانی یک پدیده اجتماعی تبدیل به مسأله اجتماعی (social problem) می گردد که از حدود معینی خارج شده و فراوانی آن غیر متعارف گردد. طلاق که شیوه ای نهادی شده^۱ در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است. [۲] در ایران طی سالهای اخیر به مسأله اجتماعی تبدیل شده است. جهت تشخیص این وضعیت، می توان آمار طلاق را با آمار ازدواج مقایسه نمود. نرخ رشد طلاق در سالهای اخیر سیر صعودی داشته است. بر اساس آمارهای به دست آمده از سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۲، ۶۸۰۹۹۷ نفر با هم ازدواج کرده اند و در همین سال، ۷۲۳۵۹ نفر از هم جدا شده اند. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ ازدواج ۱۰/۶ فقره از آنها به طلاق منجر شده اند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ از هر ۱۰۰ ازدواج ۲۰ فقره به طلاق انجامیده است. در مجموع آمارها حاکی از رشد نرخ طلاق طی سالهای اخیر در ایران است. در استان کردستان نیز وضعیت بر همین منوال است. (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. آمار ازدواج و طلاق و نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در استان کردستان

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
۱۳۸۲	۱۶۹۴۷	۱۸۴۳	۱۰/۸
۱۳۸۳	۱۷۵۲۸	۲۰۵۲	۱۱/۷
۱۳۸۴	۱۸۲۰۷	۲۳۳۸	۱۲/۸
۱۳۸۵	۱۷۷۳۴	۲۵۶۰	۱۴/۴
۱۳۸۶	۱۹۶۶۷	۲۷۷۸	۱۴/۱
۱۳۸۷	۲۰۸۲۷	۳۱۵۷	۱۵/۱
۱۳۸۸	۲۰۶۴۸	۳۲۷۵	۱۵/۸
۱۳۸۹	۲۰۳۲۷	۳۴۰۰	۱۶/۷
۱۳۹۰	۲۱۵۲۶	۳۲۷۱	۱۵/۱
۱۳۹۱	۲۱۳۱۳	۳۴۷۸	۱۶/۳
۱۳۹۲	۲۰۲۴۱	۳۹۳۲	۱۹/۴

منبع: سازمان ثبت احوال کشور

اطلاعات مندرج در جدول فوق نشان دهنده افزایش نرخ طلاق در استان کردستان می باشد. به گونه ای که نرخ طلاق از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲، به مقدار ۸/۶ واحد افزایش پیدا کرده است. در شهرستان قروه به عنوان یکی از شهرستان های استان کردستان، نیز شاهد افزایش نرخ طلاق هستیم. روند افزایشی طلاق با توجه به آمار اداره ثبت احوال شهرستان مذکور در جدول شماره ۲ آورده شده است.

¹Institutionalized

جدول شماره (۲) آمار ازدواج و طلاق ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان قروه از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج
۱۳۸۲	۱۸۹۷	۱۱۷	۶/۱۶
۱۳۸۳	۱۵۳۶	۱۴۵	۹/۴۴
۱۳۸۴	۱۶۱۸	۲۲۱	۱۳/۶۶
۱۳۸۵	۱۹۳۰	۲۰۷	۱۰/۷۲
۱۳۸۶	۲۱۲۶	۲۲۷	۱۰/۶۷
۱۳۸۷	۲۲۱۷	۲۶۰	۱۱/۷۲
۱۳۸۸	۲۲۹۱	۲۵۷	۱۱/۲۱
۱۳۸۹	۲۲۳۸	۳۴۵	۱۵/۴۱
۱۳۹۰	۲۳۷۳	۴۰۸	۱۷/۱۹
۱۳۹۱	۲۰۶۶	۳۶۲	۱۷/۵۲
۱۳۹۲	۲۳۹۳	۵۰۰	۲۰/۸

منبع: اداره کل ثبت احوال استان کردستان.

اطلاعات مندرج در جدول فوق نشان دهنده افزایش نرخ طلاق در شهرستان قروه می باشد. در سال ۱۳۸۲ تعداد ازدواج ها ۱۸۹۷ نفر و تعداد طلاق ها ۱۱۷ نفر بوده است. یعنی از ۱۶/۲ ازدواج یکی از آنها به طلاق منجر شده است. در سال بعد وضعیت بدتر شده و از ۱۰/۶ ازدواج یکی از آنها به جدایی کشیده شده است. در سال ۱۳۸۴ از هر ۷/۳ ازدواج، در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ با بهبود وضعیت نسبت به سال قبل از هر ۹/۳ ازدواج، در سال ۱۳۸۷ با بدتر شدن وضعیت نسبت به دو سال قبل از هر ۸/۵ ازدواج، در سال ۱۳۸۸ از هر ۸/۹ ازدواج، در سال ۱۳۸۹ با بدتر شدن وضعیت از هر ۶/۴ ازدواج، در سال ۱۳۹۰ از هر ۵/۸ ازدواج و در سال ۱۳۹۱ از هر ۵/۷ ازدواج و در سال ۱۳۹۲ از هر ۴/۷ ازدواج یکی از آنها به طلاق انجامیده شده است. همان گونه که این آمار و ارقام نشان می دهند همواره نسبت ازدواج به طلاق کاهش پیدا کرده است و آمار طلاق در شهرستان قروه روندی صعودی داشته است.

با توجه به افزایش آمار طلاق در شهرستان قروه، این پژوهش در پی آن است که به سوالات زیر پاسخ دهد.

عوامل اجتماعی - فرهنگی تا چه میزان در پدیده طلاق شهرستان قروه تأثیر گذار است؟

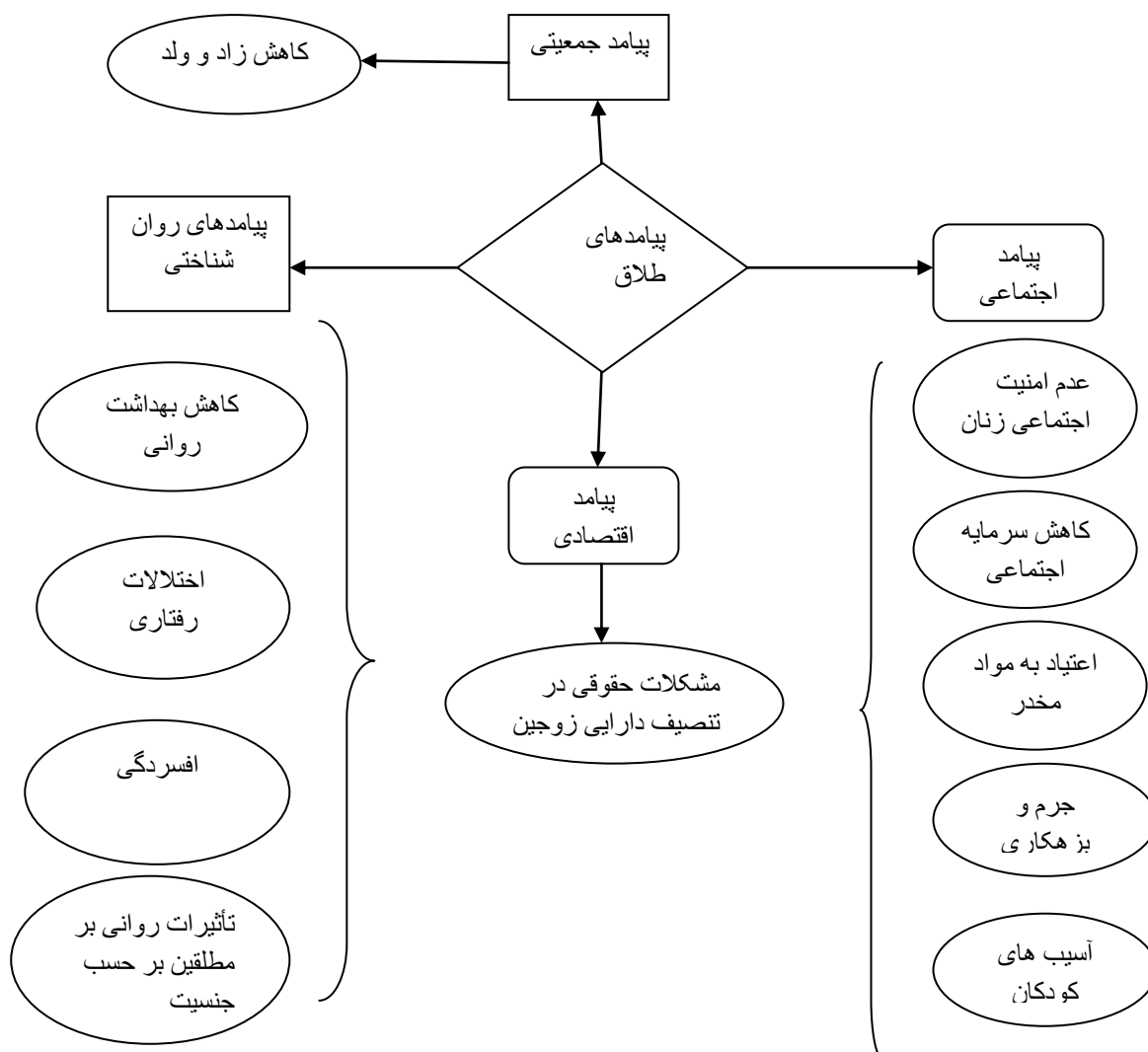
آیا عوامل اقتصادی یکی از علت های طلاق در شهرستان قروه محسوب می گردد؟

آیا سوء مصرف مواد مخدر مهم ترین عامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق در شهرستان قروه است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

شیوع و گسترش آسیب های اجتماعی از جمله موانعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه های جامعه انسانی می شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می تواند منشا بسیاری از آسیب های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی گری، ولگردی و غیره شود. [۳] تحقیقات نشان می دهد ۳۰ درصد از مجرمان زندانی ازدواجهای ناموفق داشته اند اکثر بررسی های انجام شده، از رابطه بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسائل آموزشی و تربیتی، خودکشی و یا جامعه ستیزی و نظایر آن حکایت می کنند و طلاق را موجد آن ها به شمار می آورند. [۴] مسئله طلاق، به ویژه به جهت پیامدهای روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان می باشد. پیامدهای طلاق در نمودار شماره ۱ آورده شده است.

نمودار شماره ۱



منبع: نگارندگان

طلاق علل متعددی دارد و هرگز یک علت را نمی توان به عنوان علت اصلی در نظر گرفت. با توجه به اینکه علل طلاق در جوامع مختلف و جغرافیایی انسانی، متفاوت است. به عنوان مثال علل طلاق در کلانشهری مثل تهران با یک جامعه کوچک شهری تفاوت دارد و عدم وجود

پژوهش در مسأله اجتماعی طلاق در شهرستان قروه، این پژوهش برآن است که با بررسی تحولات نرخ طلاق در شهرستان مذکور و تحلیل و تبیین آن، زمینه شناخت علمی و گسترده آن را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند.

مروری بر تحقیقات پیشین

فاتحی دهقانی و نظری (۱۳۸۹). پژوهشی با عنوان "تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان" انجام دادند و نتیجه تحقیق نشان داد: متغیرهای میزان دخالت بی جای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به طلاق داشته اند.

غیائی و همکاران (۱۳۸۹) از پژوهشی با عنوان "بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده ی شیراز" نتیجه گرفتند که متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه ی معنادار و معکوس دارند. متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امور زندگی با میزان گرایش به طلاق رابطه ی معنادار دارند.

زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان" که با روش توصیفی انجام شده به نتایج زیر دست یافتند: مهم ترین عامل تقاضای طلاق به ترتیب شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده ها و بیماری روانی یکی از زوجین بود.

هنریان و یونسی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران" انجام دادند و نتایج پژوهش نشان داد که: بیشترین تعداد متقاضیان طلاق دارای سن بین ۲۰ تا ۳۰، در پنج سال اول زندگی زناشویی و دارای تحصیلات دیپلم بودند. همچنین عامل عدم مهارت های ارتباطی نسبت به سایر علل طلاق از رتبه بالاتری برخوردار بود.

مطالعه ای در آمریکا در خصوص تأثیر شاخص های انسجام اجتماعی، متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و سن افراد بر روی میزان طلاق توسط بریولت و اگوستین در ۳۱۱ قلمرو به انجام رسید. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر بسیار زیاد شاخص های انسجام اجتماعی و نیز تأثیر بسیار کم متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و سن بر روی طلاق بود. در حقیقت شهرگرایی (فردگرایی)، عضویت در کلیسا و تغییرات جمعیتی تأثیر یکسان و قوی بر طلاق داشتند. اما همبستگی بسیار ضعیفی بین طلاق با درآمد خانواده، سن و بیکاری به دست آمد.

مطالعه کالمیجن و همکارانش در ارتباط با طلاق، نقش زمینه های فرهنگی و اقتصادی را برجسته نشان می دهد. فرضیات اقتصادی در این تحقیق با دلیل این مورد را که اگر زنان به واسطه داشتن کار دارای درآمد باشند و نیز محل کارشان نیز برایشان جذاب و جالب توجه باشد، میزان طلاق نیز افزایش می یابد، به اثبات رساندند. همچنین فرضیاتی که مربوط به زمینه های فرهنگی بودند نیز این نکته را با دلیل به اثبات رساندند که جدای از عوامل اقتصادی، طرفداری زنان از هنجارهای آزادی بخش به طور قابل ملاحظه ای میزان طلاق را افزایش می دهد. در واقع اثبات این فرضیه با انجام یک مطالعه طولی بر روی ۱۲۸۹ نفر از زنان هلندی صورت گرفت. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که در حقیقت اعتبار تبیین کننده های اقتصادی در طلاق به واسطه ارزش های فرهنگی حاصل می گردد و این نشان از اهمیت بیشتر زمینه های فرهنگی دارد

مبانی نظری پژوهش

نظریه همسان همسری^۱ این نظریه، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی های همسان میان زن و شوهر می داند. همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر

1. Homogamy Theory

سرچشمه کشمکش های خانوادگی است. به عقیده هیل^۱ افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می شوند. وود، در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی می گوید؛ هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامامورا، بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است. [۵]

نظریه ی منزلت اجتماعی^۲ (قشربندی اجتماعی): ژان ژاک روسو یکی از پیش قراولان تفکر جامعه شناسی معتقد است که، میان انسانها دو گونه نابرابری وجود دارد: نابرابری های جسمی که از طبیعت مایه می گیرند و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهنی یا روحی را شامل می شود و دیگری، که می توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید و مبتنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی انسان ها ایجاد و یا دست کم مجاز می شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد از آن بهره می برند. بنابراین هر جامعه ای از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آنها مبتنی بر ارزش های خاصی است. کسانی که در رده ی بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته اند. [۶]. جامعه شناسان تا کنون دریافته اند که تقریباً هر جنبه ای از زندگی ما انسان ها از جمله بهره هوشی، موفقیت تحصیلی، بعد خانوار، معیارهای تغذیه، عقاید سیاسی، بیماری هایی که از آن رنج می بریم و حتی نوع عادت های ما در روابط جنسی، با پایگاه ما در سلسله مراتب اجتماعیمان مرتبط است. [۷]

بر اساس نظریه منزلت، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار دیگران دارند. همچنین خانواده ها با منزلت های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی، توان همنوایی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی هنجاری های اجتماعی می شوند. [۸] در چنین شرایطی ناسازگاری های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می دهد. علاوه بر این عواملی که موجب از هم پاشیده شدن خانواده ها می شود، با تغییر پایگاه های اجتماعی تغییر می یابد، زیرا هر طبقه و پایگاهی دارای منزلتی خاص و از نظر قدرت، و شیوه زندگی شرایط خاص خودش را دارد [۹]. بنابراین منزلت اجتماعی با تحت تأثیر قرار دادن جنبه های مختلف زندگی، بر پدیده طلاق نیز تأثیر می گذارند. [۱۰]

نظریه شبکه : تحلیل های شبکه ای، به مطالعه قواعدی درباره اعتقادات افراد و این که چه باید انجام دهند، می پردازد. این نظریه، هر نظریه غیر ساختی را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش های شخصی و هنجارهای درونی شده می داند، رد می کند. یکی از چهره های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه ی تفکیک نقش های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می کنند، همبسته می داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک تر و هرچه این شبکه ها متراکم تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هر چه شبکه ها کم تراکم تر باشند، نقش های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می کند. [۱۱] اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می گردد؛ به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت هایی که شبکه، مجاز می داند کشانده می شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف ناپذیر نقش ها امکان پذیر می گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. [۱۲]. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند؛ چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه ی دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود. [۱۳].

1. Hill

2. Social ststus theory

نظریه کانگر (مشکلات اقتصادی): به نظر کانگر^۱، دروران های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده ها دارد، از جمله ی آنها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می دهد و آنها به به سوی طلاق سوق می دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی باشد، زندگی زناشویی آنها را بی ثبات می کند و مردان در این خانواده ها، بیشتر تعامل منفی دارند. [۱۴] کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش ها و ستیز در داخل خانواده شده است و علی رغم آنکه هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. [۱۵]

نظریه نقش ها:^۲ بر اساس یکی دیگر از نظریه های جامعه شناسی که در باب خانواده وجود دارد و می توان از آن در مسئله ی طلاق استفاده کرد، این نظریه جهان را به یک صحنه ی نمایش تشبیه می کند و هر کس در آن نقشی را به عهده دارد و از او انتظاراتی می رود و باید آن نقش را ایفا کند، نظریه نقش ها دنیای اجتماعی را شبکه ای از موقعیت ها یا منزلت هایی می داند که به صورت های گوناگونی به هم ربط دارند و در آن افراد به اجرای نقش ها می پردازند. برای هر موقعیت و هم چنین، برای گروهها و طبقات، انواع گوناگون انتظارات را در مورد چگونگی رفتار متصدیان می توان تشخیص داد. از این رو، متفکران این نظریه بر این باورند که سازمان اجتماعی در نهایت مرکب از شبکه های گوناگونی از منزلت ها و انتظارات است. [۱۶]

بر اساس نظریه ی نقش [۱۷] افراد، به ساختار اجتماعی بزرگتری مرتبط هستند و هر شخص در داخل تعدادی از نظام های پایگاهی، موضعی را اشغال می کند. نقش مفهوم کلیدی است که فرد و ساختار اجتماعی را به یکدیگر مرتبط می کند. فرد با گرفتن نقش و ایفای آن در شبکه اجتماعی، با دیگران در ارتباط قرار می گیرد. این ارتباط باید به گونه ای باشد که هم رضایت فرد و هم رضایت دیگران حاصل شود که این مهم در پرتو رفتار مسئولانه حاصل می شود [۱۸]

تئوری آنومی: از دیدگاه جامعه شناسان، آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریت و ضابطه ی اخلاقی می شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان ها دچار سرگردانی می شوند و قواعد و ارزش های جامعه، برای آنها بی اهمیت و کم ارزش می شود. از سوی دیگر، ارزش های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. در واقع، جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می کنند. [۱۹] از هم پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می کند که آرزوهای بی حد و حصر ایجاد می شود و از آنجا که طبعاً این آرزوهای بی حد نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می شود، که از نظر آماری قابل سنجش است. [۲۰]

تئوری نیاز - انتظارات: بر اساس تئوری نیاز - انتظارات هر موقعیت هنجارهایی دارد که صاحب آن موقعیت باید بر اساس آن عمل کند و افرادی که با وی در کنش متقابل هستند از او انتظار دارند بر اساس هنجارهای آن موقعیت عمل کند. انتظار، معیاری برای ارزیابی فردی است که دارای موقعیت، وظایفی را انجام دهد تا مناسب موقعیت مورد نظر باشد. عدم تحقق انتظارات عدم تعادل بین خواسته ها می باشد. هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی در مورد این که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان خواهند شد و در معرض آسیب های جدی نظیر طلاق قرار می گیرند. [۲۱]

نظریه ی تسری:^۳ گرونبرگ بیان می کند که رضایت و عدم رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت و عدم رضایت از بخش های دیگر زندگی تأثیر دارد. به طور مثال، نارضایتی فرد از زندگی اجتماعی می تواند موجب نارضایتی او از زندگی خانوادگی شود. [۲۲]

1. Conger

2. Roles Theory

3. Spill-over theory

نظریه فمینیسم: در میان تمامی نظریه هایی که سعی کرده اند پدیده ی خشونت را توضیح دهند، نظریه ی فمینیسم (برابری زن و مرد) توجه بیش تری را به خود جلب کرده است. اینان در تبیین تقسیم کاملاً جنسیتی قدرت، به ریشه های تاریخی نابرابری ها در جامعه معاصر توجه کرده و به آن شرایط اجتماعی و سیاسی تأکید دارند که در آن خشونت مردان بروز می کند و بر زنان و مردان تأثیر می گذارد. بر اساس این نظریه روابط دو جنس اساساً رابطه قدرت است، این نظریه در توضیح پدیده ی همسرآزاری عقیده دارد که به کارگیری خشونت به وسیله ی شوهر منعکس کننده ی قدرت، اختیار و موقعیت اجتماعی بالاتر مردان است. این امر در بسیاری از مردان این باور را به وجود می آورد که آن ها حق دارند که همسران خود را مورد سوء استفاده قرار دهند، پس خاتمه دادن به همسر آزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه ی قدرت بین زن و مرد در جامعه است. [۲۳]

گفتمان پدر سالاری و مرد سالاری: مردسالاری، یک سامانه ی خانواده گی، اجتماعی، ایده نولوژیک، و سیاسی است که در آن، مردان با زور و فشار، یا با به کارگیری آئین و مراسم، قانون و زبان، آداب و سنن، آداب معاشرت، آموزش، و تقسیم کار، تعیین می کنند که زنان چه نقشی را می توانند یا نمی توانند ایفا کنند. در این سامانه، زنان در همه جا دریند و زیر فرمان مردان اند [۲۴] بر اساس گفتمان پدرسالاری یا مردسالاری تفاوت جسمانی و وضعیت فیزیکی برتر مردان نسبت به زنان، نخستین دست مایه های تحمیل ایدئولوژی مردسالار بوده است. اگر ساختارهای اقتداری پدرسالارانه را، به تعبیر فوکو "سلطه گفتمانی" بدانیم، این سلطه ی گفتمانی به ناچار با اشکالی متعدد از مقاومت روبه رو می شود؛ یعنی "وجود قدرت به حضور مجموعه یی از نقاط مقاومت موقوف است." [۲۵] و هر جا قدرت وجود دارد، مقاومت هم وجود دارد. [۲۶]. بر این اساس، گفتمان مردانگی به رغم فراگیری و سلطه ی تاریخی، با شکل هایی از مقاومت روبه رو شده است. [۲۷]

تئوری مسئولیت پذیری: صاحب نظران و متخصصان مختلف نیز برداشتهای خاصی را در مورد معنا و مفهوم مسئولیت پذیری ارائه کرده اند. از دیدگاه فروم (۲۰۰۴) مسئولیت پذیری صرفاً وظیفه یا تکلیفی نیست که باید توسط یک فرد انجام بگیرد، بلکه بر عکس، بیانگر نوعی احساس و حالت است که باید توسط خود فرد برانگیخته شده و حامل و در بردارنده ی پاسخ و واکنش فرد نسبت به نیازهای دیگران به صورت آشکار یا پنهان است. از دیدگاه سرتو (۱۹۸۹) مسئولیت پذیری به مثابه ی الزام و تعهد درونی فرد برای انجام مطلوب همه ی فعالیتهایی است که به عهده ی او گذاشته شده و نشئت گرفته از واقعیتهای درونی هر فرد است. لذا این مفهوم با پذیرش و انجام یک مسئولیت یا وظیفه، متناسب با سطح توانایی ها، استعدادها و علایق فردی همراه است. [۲۸] مسئولیت، در ادبیات جامعه شناختی نیز همواره مورد توجه بوده است. دورکیم (۱۳۸۷) سرچشمه هر گونه فعالیت اخلاقی را تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی می داند، که این امر در بردارنده ی روحیه فداکاری و ایثار بوده که یک ویژگی اخلاقی است. از نظر دورکیم (۱۳۸۱) کنشگران اجتماعی از آنجا که عامل نقش های خانوادگی یا اجتماعی معین هستند، در شبکه ای از تعهدات و تکالیف قرار می گیرند که حق ندارند آنها را نادیده بگیرند. انسان ها نمی توانند بدون توافق با هم، بدون پذیرش ایثارهای متقابل، بدون برقرار کردن پیوندهای پایدار با یکدیگر، به صورت جمعی زندگی کنند. [۲۹] نخستین بار دورکیم (به نقل از کیویستو، ۱۳۷۷) در بررسی خودکشی، نشان داد مسئولیت اجتماعی بر رفتارهای نودوستانه تأثیر دارد. [۳۰]

در ادبیات جامعه شناسی مفهوم "تعهد" و "مسئولیت اجتماعی" در یک فضای مفهومی مشترک به صورت مترادف به کار رفته است. بنابر تعریفی رایج، مسئولیت و تعهد اجتماعی به عنوان عاملی در جهت ارضای نیازهای متقابل افراد جامعه و همچنین همبستگی اجتماعی عمل می کند. از نظر دورکیم تعهد اجتماعی عاملی است که در جهت ارضای نیازهای متقابل افراد جامعه و همچنین همبستگی اجتماعی عمل می کند. [۳۱] چلبی (۱۳۷۵) مفهوم تعهد اجتماعی را برای بیان اقدامات مسئولانه بکار می برد و منشأ تعهد را عاطفه و وابستگی عاطفی عنوان می کند.

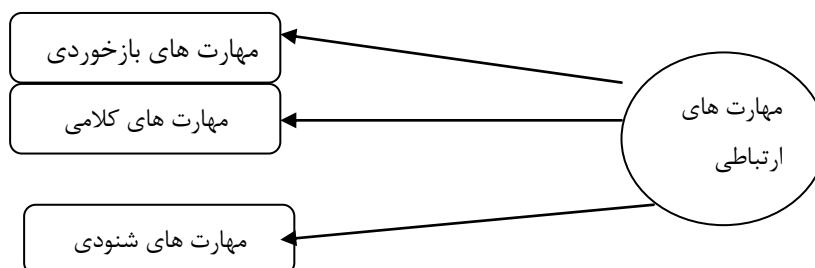
تئوری های مهارتهای ارتباطی: در متون پژوهشی مربوطه، مفهوم مهارت های اجتماعی به صورت های مختلف تعریف شده است. برای مثال هالینگر مهارت های اجتماعی را مشتمل بر مهارت هایی می داند که برای داشتن ارتباط مؤثر با دیگران و کسب پذیرش از جانب آنها ضروری هستند. مانتسون بر آن است که مهارت های اجتماعی، رفتارهایی هستند که بر روابط بین افراد از یک سو، و بهداشت روانی آنان و نیز عملکرد مفید و مؤثر در اجتماع از سوی دیگر، تأثیر دارد. این مهارتها، مشتمل بر رفتارهایی هستند که متضمن توانایی شروع و تداوم ارتباط اجتماعی اند و احتمال دریافت تقویت اجتماعی را به بیش ترین حد می رسانند. و دارای ماهیتی تعاملی، وابسته به موقعیت و هدفمند هستند. [۳۲]

مهارت های ارتباط اجتماعی را می توان مشتمل بر مهارت های فرعی (یا خرده مهارت های) متفاوتی دانست. توانایی گوش دادن فعالانه به عنوان یک مهارت اساسی در روابط بین فردی مورد توجه قرار گرفته است. گوش دادن مؤثر، عبارت است از مشارکت فعال در یک گفت و شنود؛ فعالیتی که گوینده را در انتقال منظور خویش یاری می کند. هدف از آن، تأمین این منظور است که گوش دهنده به آنچه گفته می شود، گوش دهد نه این که حدس بزند. همچنین این مهارت ارتباطی، گوینده را از مبهم گویی، به صراحت گویی و رک گویی هدایت می کند. در پایان یک گفت و شنود، شنونده فعال و مؤثر کسی است که از آنچه گفته شده و آنچه از محتوای این گفت و شنود بر می آید، شناختی دقیق کسب کند. گوش دادن مؤثر گرچه یک مهارت اکتسابی بوده و مستلزم تلاش فراوان است، ولی در عوض، اطلاعات بیش تر، تفاهم متقابل و نتایج ارزنده ای را در پی دارد و مانند بسیاری از مهارت های ارتباطی یک فرایند دو طرفه (تعاملی) است؛ یعنی کافی نیست که شنونده فقط سراپا گوش باشد و تمام حواس خود را به سخنان گوینده معطوف دارد. بلکه برای اطمینان از درک مطلب باید استنباط خود را نیز به طور خلاصه به او منتقل کند. (همان، بارتون [۳۳] سه نوع مهارت ارتباطی را معرفی کرده است که عبارتند از: شنود مؤثر، مهارت کلامی و بازخورد.

۱. شنود مؤثر: فرایند کشف رمز و تعبیر و تفسیر پیام های کلامی به طور فعال را، شنود مؤثر (گوش دادن فعال) گویند. شنود مؤثر به توجه شناختی و پردازش اطلاعات نیاز دارد ولی صرف شنیدن نیازی به توجه ندارد. بنابراین، گوش دادن مؤثر، عبارت است از مشارکت فعال در یک گفت و شنود؛ فعالیتی که گوینده را در انتقال منظور خویش، یاری می کند. (رضائیان، ۱۳۸۹). هدف از آن، تأمین این منظور است که گوش دهنده به آنچه گفته می شود، گوش دهد نه اینکه حدس بزند. [۳۴]

۲. مهارت کلامی: در ارتباط کلامی پیام ها به صورت رمزهای کلامی انتقال می یابند. هدف ارتباطات کلامی ایجاد زمینه برای مبادله آزاد اندیشه ها است. در زندگی انسان هیچ رفتار ارتباطی به اندازه ارتباطات کلامی وسعت و تأثیر ندارد و هیچ پدیده ی ارتباطی این قدر با زندگی انسان عجین نیست. اختلاف بین ارتباطات کلامی و غیر کلامی به سادگی مقایسه اعمال و صحبت نیست. مثلاً صحبت کردن نیز آمیخته با عناصر غیر کلامی چون تن صدا، سکوت های بین جمله ها و غیره است. اساس ارتباطات کلامی بر زبان گذاشته شده است و زبان عامل ارتباط مستقیم و رودر رو بین دو یا چند نفر می باشد، زبان نقش دو جانبه به عهده دارد؛ از یک طرف منشأ ارتباط است و اندیشه پیام دهنده را به گیرنده بیان می کند و از طرف دیگر مخاطب طرف گفتگو است و به او پاسخ می دهد. [۳۵]

۳. مهارت بازخورد: بازخورد روندی است که به وسیله آن دریافت کننده پیام، از طریق واژگان کلامی و غیر کلامی درک خود را از پیام ارسالی به فرستنده منتقل می کند و حلقه های بازخورد تعیین می کنند که پیام ارسالی به درستی تعبیر و دریافت شده است یا خیر، برگشت نتیجه پیام به فرستنده به طوری که فرستنده پیام از وضعیت ارسال پیام و دریافت آن آگاه باشد را مهارت بازخورد گویند. (رضائیان، ۱۳۸۹) از طریق بازخورد است که دریافت کننده اطلاعات می تواند اطلاعات بیشتری دریافت کرده و مطالب برایش واضح تر شود. بنابراین باید برای مخاطبان فرصت کافی ایجاد کنیم تا بر موانع روانی و اجتماعی چیره شوند تا بتوانند به ما بازخورد دهند. [۳۶]

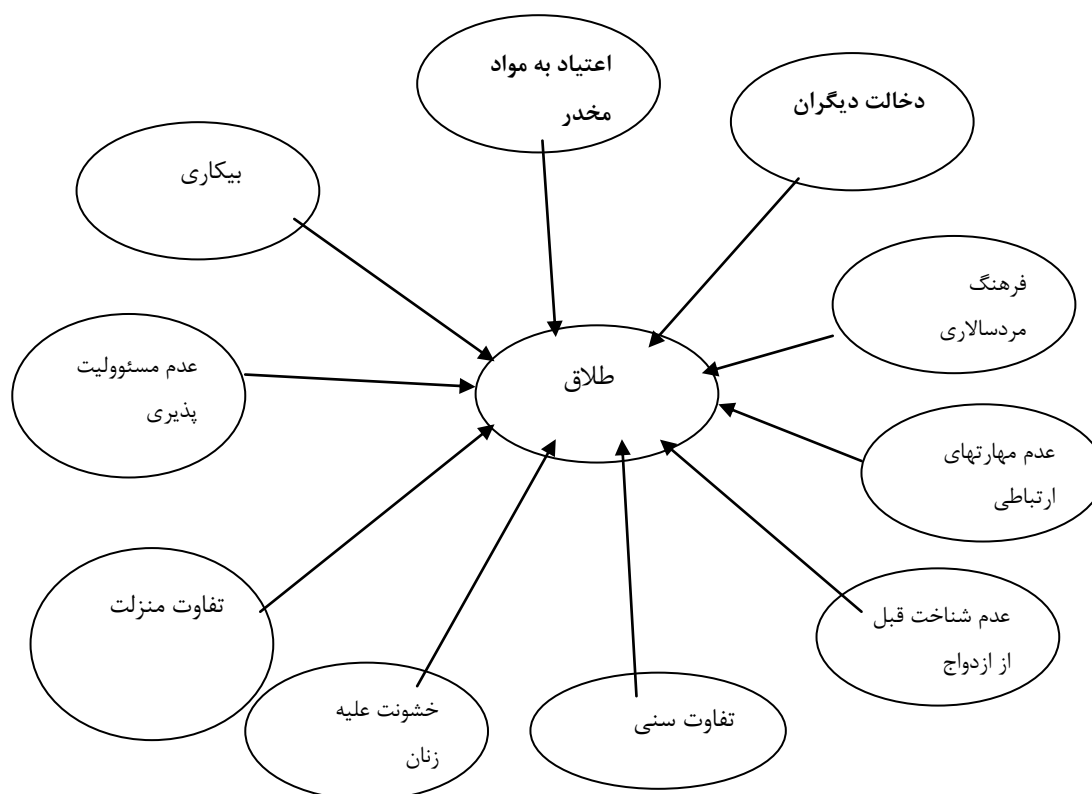


چارچوب نظری تحقیق

جدول شماره ۱: مبانی نظری متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرهای مستقل	مبنای نظری
میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین	شبکه
میزان تفاوت در منزلت اجتماعی زوجین	قشربندی + همسان همسری
سوء مصرف مواد مخدر	آنومی
بیکاری	کانگر + تسری
تفاوت سنی	همسان همسری
عدم مسئولیت پذیری	نقش + نیاز - انتظارات + مسئولیت پذیری
فرهنگ مردسالاری	گفتمان مردسالاری
عدم مهارت‌های ارتباطی	مهارت‌های ارتباطی
عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج	فرهنگ مردسالاری و فمینیسم
خشونت علیه زنان	فمینیسم

مدل تحقیق



فرضیه ها

- بین سوء مصرف مواد مخدر و طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین تفاوت منزلت اجتماعی زوجین و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین بیکاری و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین تفاوت سنی زوجین و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین دخالت دیگران در زندگی زوجین و طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین عدم مسئولیت پذیری و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین فرهنگ مردسالاری و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین عدم مهارت‌های ارتباطی و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین خشونت علیه زنان و طلاق رابطه معنی داری وجود دارد.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است. روش مطالعه ترکیبی (میدانی-اسنادی). در روش میدانی با استفاده از تکنیک مصاحبه، (مصاحبه با کارشناسان و روان شناسان اداره بهزیستی که در زمینه پیشگیری از طلاق خدمات مشاوره ای ارائه می دهند)، و در روش اسنادی، (با استفاده از پرسشنامه استخراج اطلاعات، کلیه پرونده های زوجین متقاضی طلاق که در سال ۱۳۹۲ به اداره بهزیستی مراجعه کردند، مورد مطالعه قرار می گیرد و نیز بررسی اطلاعات مندرج در فرم های مددکاری)، اطلاعات مورد نیاز استخراج می گردد. در این پژوهش جامعه آماری با نمونه آماری یکی است. به عبارتی سرشماری محسوب می گردد. کلیه پرونده هایی که در سال ۱۳۹۲ به اداره بهزیستی شهرستان قروه جهت مشاوره برای حل مشکل ارجاع شده بودند مورد بررسی قرار می گیرد که ۲۳۰ مورد می باشد. برای استخراج اطلاعات موجود در پرونده های سال ۱۳۹۲ از پرسشنامه معکوس، بر مبنای نظرات افراد متخصص به شکل چک لیست استفاده شده است. با توجه به این اصل که در طراحی پرسشنامه بدون آگاهی از اعتبار اندازه گیری آن نمی توان به دقت داده های حاصل از آن اطمینان داشت، لذا برای افزایش اعتبار (روایی) ابزار اندازه گیری، از نتایج مطالعات نظری مرتبط و نظر متخصصان در تهیه ی "پرسشنامه برای چک لیست" استفاده شد. به علاوه در فرایند تهیه ی چک لیست و استخراج سؤالات رویه های نظام مند و یکسان به منظور تحلیل ثانوی داده های موجود در پرونده ها مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل آماری داده ها با استفاده از فراوانی و درصد در سطح آمار توصیفی و آزمون ناپارامتریک مجذور خی دو در سطح آمار استنباطی انجام شده است.

یافته های توصیفی تحقیق

۱. **سطح تحصیلات:** بر اساس اطلاعات جدول (۱) بیشترین میزان فراوانی مربوط به گروه زنان و مردان در گروه تحصیلی راهنمایی است. که به ترتیب (۷۶ نفر معادل با ۳۳ درصد) و در گروه مردان (۹۰ نفر معادل با ۳۹/۱ درصد) است.

جدول (۱) توزیع فراوانی سطح تحصیلات مردان و زنان متقاضی طلاق

جنسیت / تحصیلات	زن		مرد	
	فراوانی	درصد نسبی	فراوانی	درصد نسبی
بی سواد	۲۴	۱۰/۴	۸	۳/۵
ابتدایی	۲۴	۱۰/۴	۴۹	۲۱/۳
راهنمایی	۷۶	۳۳	۹۰	۳۹/۱
دبیرستان	۲۵	۱۰/۹	۳۳	۱۴/۳
دیپلم	۴۸	۲۰/۹	۴۲	۱۸/۳
فوق دیپلم و بالاتر	۳۳	۱۴/۳	۸	۳/۵
جمع کل	۲۳۰	۱۰۰	۲۳۰	۱۰۰

۲. شغل:

بر اساس نتایج جدول (۲) اکثریت مردان (۱۲۴ نفر معادل با ۵۳/۹ درصد) شغل آزاد دارند. و اکثریت خانمها (۲۲۳ نفر، معادل با ۹۷ درصد) خانه دار هستند.

جدول (۲). توزیع فراوانی شغل زوجین

متغیرها				فراوانی	درصد نسبی
شغل زوجین	زوج		دولتی	۱۶	۷
			آزاد	۱۲۴	۵۳/۹
			بیکار	۹۰	۳۹/۱
			جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
	زوجه		دولتی	۷	۳
			خانه دار	۲۲۳	۹۷
			جمع کل	۲۳۰	۱۰۰

۳. مذهب زوجین

جدول (۳) نشان می دهد که مذهب شیعه بیشترین فراوانی را در گروه زنان (۱۵۵ نفر، معادل با ۶۶/۴ درصد) و مردان (۱۳۱ نفر معادل با ۵۷ درصد) دارد.

جدول (۳). توزیع فراوانی مذهب زوجین

متغیرها				فراوانی	درصد نسبی
مذهب زوجین	زوج		شیعه	۱۳۱	۵۷
			سنی	۹۹	۴۳
			جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
	زوجه		شیعه	۱۵۵	۶۷/۴
			سنی	۷۵	۳۲/۶
			جمع کل	۲۳۰	۱۰۰

۴. قومیت زوجین

بر اساس نتایج جدول (۴) قوم کرد در گروه مردان (۱۷۴ نفر معادل با ۷۵/۷ درصد) و در گروه زنان (۱۶۵ نفر معادل با ۷۱/۷ درصد) از بیشترین فراوانی برخوردار است.

جدول (۴). توزیع فراوانی قومیت زوجین

متغیرها		فراوانی	درصد نسبی
زوج	کرد	۱۶۵	۷۱/۷
	ترک	۶۵	۲۸/۳
	جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
زوجه	کرد	۱۷۴	۷۵/۷
	ترک	۵۶	۲۴/۳
	جمع کل	۲۳۰	۱۰۰

۵. ویژگیهای جمعیتی پاسخگویان

در جدول (۵) زمان ازدواج زنان در گروه سنی ۱۳ تا ۱۷ سال دارای بیشترین فراوانی (۳۷ درصد) در حالی که در بین مردان در گروه سنی ۲۳ تا ۲۷ سال از بیشترین فراوانی برخوردار است (۸۸ نفر معادل با ۳۸/۳). که با توجه به زود رسی ازدواج در بین زنان نسبت به مردان در ایران کاملاً طبیعی به نظر می رسد. بیشترین آمار طلاق در بین زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۱ سال (۳۷/۸ درصد) و در مردان در گروه سنی ۲۲ تا ۲۸ سال (۴۱/۷ درصد) رخ داده است فاصله عقد و ازدواج بیشتر زوجین در فاصله ی زمانی ۱ تا ۳ ماه از بیشترین فراوانی (۸۳ نفر معادل با ۳۶/۱ درصد) برخوردار است.

جدول (۵). ویژگیهای جمعیتی پاسخگویان

متغیرها			فراوانی	درصد نسبی
سن هنگام ازدواج	زوجه	۱۳ تا ۱۷ سال	۸۵	۳۷
		۱۸ تا ۲۲ سال	۴۷	۲۰/۴
		۲۳ تا ۲۷ سال	۶۲	۲۷
		۲۸ تا ۳۲ سال	۲۲	۹/۶
		بالای ۳۳ سال	۱۴	۶/۱
		جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
		۱۳ تا ۱۷ سال	۱	۰/۴
	زوج	۱۸ تا ۲۲ سال	۶۹	۳۰
		۲۳ تا ۲۷ سال	۸۸	۳۸/۳
		۲۸ تا ۳۲ سال	۴۰	۱۷/۴
		بالای ۳۳ سال	۳۲	۱۳/۹
		جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
سن زمان درخواست طلاق	زوجه	۱۵ تا ۲۱ سال	۸۷	۳۷/۸
		۲۲ تا ۲۸ سال	۵۹	۲۵/۷
		۲۹ تا ۳۵ سال	۶۰	۲۶/۱
		۳۶ تا ۴۲ سال	۸	۳/۵
		بالای ۴۳ سال	۱۶	۷
		جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
	زوج	۱۵ تا ۲۱ سال	۸	۳/۵
		۲۲ تا ۲۸ سال	۹۶	۴۱/۷
		۲۹ تا ۳۵ سال	۹۴	۴۰/۹
		۳۶ تا ۴۲ سال	۸	۳/۵
		بالای ۴۳ سال	۲۴	۱۰/۴
		جمع کل	۲۳۰	۱۰۰
مدت عقد و ازدواج	صفر		۴۸	۲۰/۹
	۱ تا ۳ ماه		۸۳	۳۶/۱
	۴ تا ۶ ماه		۵۹	۲۵/۷
	۷ تا ۲۴ ماه		۴۰	۱۷/۳
	جمع کل		۲۳۰	۱۰۰

۶. مدت زمان زندگی مشترک و تعداد فرزندان: طبق نتایج جدول (۶). از ۲۳۰ نفر از زوجین متقاضی طلاق، ۴۸ نفر (معادل با ۲۰/۹ درصد) در دوران عقد و قبل از اینکه وارد زندگی مشترک شوند، درخواست طلاق کرده اند. بیشتر زوجین ۹۲ نفر (معادل با ۴۰ درصد) از زوجین زمانی اقدام به جدایی و طلاق کرده اند که بین ۲ تا ۵ سال از زندگی مشترکشان سپری شده بود. و طلاق در بین زوجین بدون فرزند بیشتر است. (۶۵/۷ درصد)

جدول شماره (۶). توزیع فراوانی تعداد فرزندان و مدت زمان زندگی مشترک

متغیرها	فراوانی	درصد نسبی
مدت زمان زندگی مشترک	بدون زندگی مشترک (عقد کرده)	۴۸
	۱ ماه تا ۶ ماه	۲۵
	۷ ماه تا ۱ سال	۲۵
	۲ سال تا ۵ سال	۹۲
	۶ سال و بیشتر	۴۰
	جمع کل	۲۳۰
تعداد فرزندان	۰ (بدون فرزند)	۱۵۱
	۱ فرزند	۴۰
	۲ فرزند	۲۳
	۴ فرزند	۱۶
	جمع کل	۲۳۰

۷. اختلاف سنی زوجین: طبق نتایج جدول (۴-۷) تفاوت سنی مرد به زن در بین اکثر زوجین در حدود شش تا ده سال است. (۸۹ نفر معادل با ۳۸/۷ درصد). همچنین حدود ۸ نفر از زوجین معادل با ۳/۵ درصد بدون اختلاف سنی هستند.

جدول (۷). توزیع فراوانی اختلاف سنی زوجین

اختلاف سن	فراوانی	درصد نسبی
صفر سال	۸	۳/۵
یک تا پنج سال	۸۵	۳۷
شش تا ده سال	۸۹	۳۸/۷
یازده تا پانزده سال	۲۷	۱۱/۷
شانزده تا بیست و سه سال	۲۱	۹/۱
جمع کل	۲۳۰	۱۰۰

۸. علل درخواست طلاق در میان جامعه آماری.:

بر اساس اطلاعات حاصل از مصاحبه با زوجین متقاضی طلاق، عدم شناخت قبل از ازدواج با فراوانی ۲۱۴ (معادل با ۹۳ درصد)، خشونت علیه زنان با فراوانی ۱۴۹ (معادل با ۶۴/۸ درصد)؛ دخالت دیگران با فراوانی ۱۴۵ (معادل با ۶۳ درصد)، عدم مسئولیت پذیری با فراوانی ۱۴۰ (معادل با ۶۰/۹ درصد)، اعتیاد به مواد مخدر با فراوانی ۱۳۷ (معادل با ۵۹/۶ درصد)؛ مردسالاری با فراوانی ۱۳۶ (معادل با ۵۹/۱ درصد) و بیکاری با فراوانی ۹۰ (معادل با ۳۹/۱ درصد) بیشترین علل درخواست طلاق هستند. لازم به ذکر است که اختلاف سنی بیش از ۶ تا ۲۳ سال به عنوان اختلاف سنی زیاد تلقی شده است. که این متغیر با دارا بودن فراوانی ۱۳۷ (معادل با ۵۹/۵ درصد) یکی از بیشترین علل درخواست طلاق را در این پژوهش تشکیل می دهد. کمترین علت درخواست طلاق به عدم مهارت های ارتباطی زوجین با فراوانی ۵۴ (معادل با ۲۳/۴ درصد) و تفاوت منزلتی زوجین با فراوانی ۲۰ (معادل با ۸/۶ درصد) اختصاص یافته است.

جدول (۸). علل درخواست طلاق در میان جامعه آماری.

متغیرها	فراوانی	درصد نسبی
خشونت	بله	۶۴/۸
	خیر	۳۵/۲
مسئولیت پذیری	بله	۳۹/۱
	خیر	۶۰/۹
دخالت دیگران	بله	۶۳
	خیر	۳۷
مردسالاری	بله	۵۹/۱
	خیر	۴۰/۹
اعتیاد	بله	۵۹/۶
	خیر	۴۰/۴
شناخت قبل از ازدواج	بله	۷
	خیر	۹۳
بیکاری	بله	۳۹/۱
	خیر	۶۰/۹
مهارت‌های ارتباطی	بله	۷۶/۵
	خیر	۲۳/۴
تفاوت منزلت	بله	۸/۶
	خیر	۹۱/۳
اختلاف سنی	اصلا	۳/۵
	زیاد	۵۹/۵
	کم	۳۷

آزمون فرضیات: از مجموع فرضیات ده گانه ی تحقیق، ۹ فرضیه تأیید و نتایج آزمون ان ها در جدول شماره ۹ و ۱۰ نشان داده شده است. در فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه ی معنادار میان تفاوت منزلت اجتماعی زوجین با متغیر وابسته طلاق، با توجه به نتیجه آزمون خی دو ($\chi^2 = ۱/۷۰$ ، $df = ۱$ ، $sig = ۰/۰۰$) و در سطح آلفای ۰/۰۵ چون خی دو محاسبه شده از خی دو جدول بحرانی ($X = ۹/۴۹$) کوچکتر است، بنابراین، فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می شود.

نتایج آزمون فرضیه ی اول، تفاوت معنا دار بین سوء مصرف مواد مخدر و طلاق را نشان می دهد. آزمون فرضیه ی سوم مؤید این نکته است که متغیر بیکاری رابطه ی معناداری با متغیر وابسته ی طلاق دارد. دخالت دیگران در زندگی زوجین، عدم مسئولیت پذیری و فرهنگ مردسالاری از جمله متغیرهایی است که متغیر وابسته طلاق را تحت تأثیر خود قرار می دهد. این یافته از نتایج آزمون فرضیه های چهارم، پنجم و ششم به دست می آید. (طبق نتایج جدول شماره ۹).

بین عدم مهارت های ارتباطی و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد. نتیجه آزمون خی دو ($\chi^2 = ۱۴۱/۷۳$ ، $df = ۴$.sig= ۰/۰۰) نشان می دهد که اختلاف فراوانی های مشاهده شده بین داشتن یا نداشتن مهارت ارتباطی با طلاق معنی دار است. در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می گردد.

بین عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه مبتنی بر رابطه معنادار عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج با طلاق با توجه به سطح معناداری ($\chi^2 = ۶۷/۴۷$ ، $df = ۴$.sig= ۰/۰۰) و خی دو جدول بحرانی ($x = ۹/۴۹$) تأیید و فرضیه صفر رد می گردد. نتایج آزمون فرضیه ی نهم، ارتباط معنی دار متغیر خشونت علیه زنان با طلاق را نشان می دهد.

۹. آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون کای اسکور

فرضیات تحقیق	χ^2 مجذور خی	df درجه آزادی	(sig) سطح معنی داری
بین سوء مصرف مواد مخدر و طلاق رابطه ی مستقیم وجود دارد.	۸/۴۱	۱	۰/۰۰۴
بین تفاوت منزلت اجتماعی زوجین و طلاق رابطه ی معنا دار وجود دارد.	۱/۷۰	۱	۰/۰۰
بین بیکاری و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد.	۷۹/۵۴	۲	۰/۰۰
بین دخالت دیگران در زندگی زوجین و طلاق رابطه ی مستقیم وجود دارد.	۱۹۳/۴۳	۴	۰/۰۰
بین عدم مسئولیت پذیری و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد	۱۰/۸۷	۱	۰/۰۰۱
بین فرهنگ مردسالاری و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد.	۷/۶۷	۱	۰/۰۰۶
بین عدم مهارت های ارتباطی و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد.	۱۴۱/۷۳	۴	۰/۰۰
بین عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد.	۶۷/۴۷	۴	۰/۰۰
بین خشونت علیه زنان و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد	۲۰/۱۰	۱	۰/۰۰

سرانجام در آزمون فرضیه بین تفاوت سنی زوجین و طلاق رابطه ی معنادار وجود دارد. در فرضیه مذکور با توجه به سطح سنجش متغیر (ترتیبی) از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به آماره kolmogorov-smirnov با مقدار بدست آمده ۳/۶۶۹ در سطح کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است. پس با ۹۹ درصد اطمینان فرض تحقیق تأیید می شود. و با توجه به جدول توزیع فراوانی متغیر اختلاف سنی، توزیع فراوانی ها در گزینه اختلاف سنی زیاد (۱۳۷ نفر) بیشتر از توزیع آن در گزینه های اختلاف سنی کم و اصلا می باشد.

جدول (۱۰). توزیع فراوانی اختلاف سنی زوجین

متغیر	فراوانی	درصد نسبی
اختلاف سنی	اصلا	۸
	زیاد	۱۳۷
	کم	۸۵
		۳۷

بحث و نتیجه گیری: همانگونه که ذکر شد این پژوهش مختصر در صدد سنجش میزان طلاق و آزمودن برخی عوامل و متغیرهایی می باشد که با توجه به یافته های تحقیقات و تئوریهای قبلی موجود و مصاحبه با مددکاران و کارشناسان اداره بهزیستی شهرستان، بنظر می رسیدند بیشترین رابطه و تاثیرگذاری را در این خصوص داشته باشند لذا سعی شد از بین نظریه ها و یافته های مختلفی که در این باره وجود داشت مناسب ترین و کارآمدترین آنها انتخاب و به عنوان پشتوانه تئوریک مطرح شوند و با توجه به اینکه نتایج حاصله با اغلب یافته های پژوهشهای قبلی که مختصرا در بخش پیشینه تحقیق به آنها اشاره گردیده تا حد زیادی همخوانی دارد و بیشتر فرضیه های اصلی این تحقیق در سطح قابل قبولی تایید گردیده اند می توان گفت که مطالعه حاضر از پشتوانه و زمینه نظری قوی و مستدلی برخوردار است و نتایج بدست آمده از ویژگیهای نمونه آماری را می توان با سطح اطمینان مناسب به کل جامعه آماری تعمیم داد. این نتایج به شرح ذیل می باشند:

بین اعتیاد به مواد مخدر و طلاق رابطه معناداری وجود دارد. پدیده شوم اعتیاد باعث ایجاد انواع مسائل و انحرافات اجتماعی است. این پدیده تأثیرگذار یکی از عوامل مهم گسسته نهاد خانواده در ایران است. که در یافته های پژوهشگران ذیل (داودی، ۱۳۵۶؛ سیف الهی، ۱۳۶۷؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی و همکاران ۱۳۸۳) (مشکی و همکاران ۱۳۸۸؛ فاتحی و اخلاصی، ۱۳۹۳؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶؛ مسعودی اصل و فیروزاد، ۱۳۹۵) نیز تأیید گردیده است. بین عدم شناخت قبل از ازدواج و طلاق رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه متغیر عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج با بیشترین فراوانی (۲۱۴ مورد معادل با ۹۳ درصد) یکی از علت های مهم در طلاق شهرستان قروه می باشد. که یافته مذکور با تحقیقات (رحمان پناه، ۱۳۷۴؛ ملتفت، ۱۳۸۱؛ مشکی و همکاران ۱۳۸۸؛ قریشی و همکاران ۱۳۹۲) همسو می دارد. با توجه به غلب بودن فرهنگ سنتی در شهرهای کوچک و عدم آگاهی خانواده ها از لزوم آشنایی و ارتباط زوجین قبل از ازدواج و محدود شدن ارتباط به دو جلسه خواستگاری می توان این پدیده را تبیین نمود.

بین دخالت دیگران در زندگی زوجین و طلاق رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از این فرضیه در راستای تحکیم مبانی نظری به کار رفته و نیز یافته های پژوهشی پیشین می باشد. بر اساس نظریه شبکه، هر چه دخالت اطافیان در زندگی زناشویی بیشتر باشد، گرایش آنان به طلاق افزایش می یابد. که با توجه به آزمون خی دو و سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید گردید. این یافته نظری در پژوهش حاضر، نظیر سایر تحقیقات پیشین (تقی زاده، ۱۳۵۰؛ داودی، ۱۳۵۶؛ پیران ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ کلدی و شعبانی، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳. ریاحی و همکاران ۱۳۸۶) دهقانی و نظری، ۱۳۸۹، سپهریان، ۱۳۷۹؛ مختاری، ۱۳۷۹؛ ثنایی و باقریان نژاد، ۱۳۸۲؛ جلیلیان، ۱۳۷۸؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶؛ فخرائی و حکمت، ۱۳۸۹؛ غیائی و دیگران، ۱۳۹۰) مورد تأیید قرار گرفته است.

یکی از فرضیه های این تحقیق، رابطه خشونت علیه زنان با طلاق است. پشتوانه این فرضیه نظریه فمینیسم بود. که یافته های این پژوهش و پژوهشهای سایر محققان (غیائی و همکاران، ۱۳۹۰؛ فخرائی و حکمت، ۱۳۸۹؛ عابدی نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ سیف زاده و برزبان، ۱۳۹۲) به اثبات فرضیه مذکور صحت می گذارد.

فرضیه دیگر رابطه طلاق با بیکاری می باشد. که با استفاده از آزمون خی دو و در سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید گردید. که فرضیه مذکور در سایر تحقیقات (دانش و همکاران ۱۳۷۰؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ مددی، ۱۳۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ عیسی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ رحیمی، ۱۳۸۹، پورصادق کردی، ۱۳۸۸؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته دیگر پژوهش ارتباط طلاق با فرهنگ مردسالاری است. که یافته های این پژوهش در راستای تجکیم یافته های پژوهشهای (پیران، ۱۳۶۹؛ رحمان پناه، ۱۳۷۴) است. ارتباط عدم مهارت های ارتباطی با طلاق از دیگر یافته های پژوهش است که در تحقیقات پیشین (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ مارمن و هالوگ، ۱۹۹۳، برنز، ۱۹۸۴، مشکی و همکاران، ۱۳۸۸؛ زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶) تأیید گردیده است. عدم مسئولیت پذیری و طلاق از دیگر یافته های پژوهش می باشد که در تحقیق (غیائی و دیگران، ۱۳۸۶) نیز به اثبات رسیده است.

اختلاف سنی و طلاق از دیگر علل مؤثر بر پدیده طلاق می باشد. که در این پژوهش تفاوت سنی بیش از پنج سال به عنوان اختلاف سنی در نظر گرفته شد. که این فرضیه با سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید گردید. و تحقیق (غیائی و همکاران، ۱۳۸۶) با یافته پژوهش همسویی دارد. از مجموع ده فرضیه تحقیق نه فرضیه اثبات شد. ولی فرضیه تفاوت منزلتی زوجین و طلاق در این پژوهش مورد تایید واقع نشد.

پیشنهادهات

طلاق از جمله پدیده هایی است که ارتباط تنگاتنگی با ساختارهای مختلف جامعه دارد. و هرگونه تجویز راه حل بدون توجه به این ساختارها امکان پذیر نیست. در پژوهش حاضر یکی از متغیرهای فرهنگی تأثیر گذار فرهنگ مردسالاری است. لذا توصیه می شود که در جامعه پذیری فرزندان، خانواده ها دقت کافی داشته باشند و فرهنگ گفتگو بین افراد جدا از برتری جنسیتی فراگیر شود. متغیر فرهنگی دیگر، دخالت دیگران در زندگی زوجین می باشد. لذا توصیه می شود برای جلوگیری از تأثیر مخرب دخالت دیگران: به طراحی زمینه های عملی کاهش حضور و دخالت اخلال گرانه اطرافیان در زندگی زوجین، در مقابل افزایش حضور کارشناسان خانواده برای ارایه مشاوره به زوجین دارای اختلاف.

خشونت علیه زنان، متغیر فرهنگی اثر گذار دیگری است که به گسست خانواده ها منجر می گردد. است لذا در این زمینه توصیه می شود به آموزش مهارت های ارتباطی مثبت و مهارت های اجتماعی بر زوجین (هرچیزی با زور درست نمی شود). مشاوره و درمان مردان خشن و آموزش آنها در زمینه عواقب خشونت از نظر شرعی و قانونی و تأثیرات آن بر فرزندان و همسران. و در ارتباط با متغیر عدم شناخت زوجین قبل از ازدواج به :

فراهم آوردن بسترهای مناسب و مبتنی بر فرهنگ ایرانی- اسلامی برای شناخت بهتر و دقیق تر مردان و زنان از یکدیگر در مراحل قبل از ازدواج به منظور شناسایی شباهت ها و تفاوت های فکری و رفتاری یکدیگر، صرف زمان کافی و تلاش برای شناخت طرفین و پرهیز از شتابزدگی در ازدواج.

در ارتباط با اعتیاد و طلاق به: آموزش جوانان در شرف ازدواج و خانواده های آنان در زمینه ی علائم هشدار دهنده اعتیاد و آموزش راههای پیشگیری از اعتیاد به زوجین. یکی از متغیرهای که باعث عدم درک زوجین در طول زندگی مشترک می شود، اختلاف سنی زیاد زن و شوهر می باشد. لذا برای استحکام خانواده ها توجه زوجین به همسان همسری و دقت در رعایت فاصله سنی مناسب است. به خاطر اینکه اکثر طلاق ها ریشه اقتصادی دارند؛ بنابراین لازم است خانواده ها و نهادهای دولتی کمک ها و حمایت های مالی خود را از خانواده های دچار مشکل دریغ ندارند. عدم مسئولیت پذیری و عدم مهارت های ارتباطی از دیگر متغیرهای تأثیر گذار در پدیده طلاق می باشد لذا در این رابطه توصیه می شود به: توجیه زوجین در خصوص مسئولیت پذیری بیشتر و توانمند سازی آن ها از طریق برگزاری کلاس های آموزش خاص، آگاه سازی دختران و پسران از حقوق و وظایف زن و مرد در خانواده. قانونمند کردن مشاوره قبل از ازدواج، آموزش شیوه های ارتباطی بین زوجین. آموزش مهارت های زندگی به زوجین قبل از ازدواج توسط نهاد آموزش و پرورش. دستیابی به اهداف مذکور، تنها از طریق همکاری و هماهنگی تمامی نهادهای اجتماعی دست اندرکار از جمله خانواده، مدرسه و دانشگاه، مبلغان مذهبی و رسانه های گروهی و در پرتو حمایت های قانونی و ابزاری دولت امکان پذیر خواهد بود.

منابع

- [۱]. گروه مؤلفان. (۱۳۸۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، دانشگاه پیام نور.
- [۲]. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳]. رحیمی، حسین (۱۳۷۹). بررسی عامل های طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۳۳
- [۴]. پیران، پرویز (۱۳۶۹)، " در پی تبیین جامعه شناختی طلاق "، نشریه رونق، سال اول، شماره اول.
- [۵]. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. انتشارات دانشگاه تهران.
- [۶]. محسنی، منوچهر. (۱۳۶۶). جامعه شناسی عمومی، چاپ هشتم، تهران: نشرنی.
- [۷]. فاتحی دهقانی و نظری (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- [۸]. گی روشه (۱۳۸۰). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی.
- [۹]. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). نظریه های جامعه شناسی، سمت.
- [۱۰]. فاتحی دهقانی و نظری (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- [۱۱]. ریاحی، محمد اسماعیل، اکبر علیوردی نیا و سیاوش بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق. پژوهش زنان، دوره ۵، زمستان ۱۳۸۶. شماره ۱۹
- [۱۲]. غیاثی، پروین، لهراسب روستا ومرضیه براری. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی درخواست طلاق در بین شهروندان زن شیرازی. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان. سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰.
- [۱۳]. ملتفت، حسین. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی.
- [۱۴]. محبی، سیده فاطمه. بی تا، تبیین جامعه شناختی طلاق. کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده.
- [۱۵]. غیاثی، پروین، لهراسب روستا ومرضیه براری. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی درخواست طلاق در بین شهروندان زن شیرازی. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان. سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰.
- [۱۶]. احمدی، سیروس، اصغر میر فردی و قاسم زارعی (۱۳۹۲) بررسی رابطه ی مسئولیت پذیری و گرایش به صرفه جویی در مصرف آب. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی، (۵۰). شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲
- [۱۷]. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش.

- [۲۱]. نعیمی، محمد رضا، (بی ت). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان). مجله تخصصی جامعه شناسی، سال اول، شماره اول.
- [۲۲]. کاملی، محمد جواد (۱۳۸۱). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم
- [۲۳]. عابدی نیا، نسرین، جعفر بوالهری و محمد مهدی نقی زاده (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت، مطالعات روان شناختی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ی ۱۱، شماره ۱.
- [۲۴]. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۲). از جنبش تا نظریه ی اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: شیرازه.
- [۲۵]. ضیمران، محمد (۱۳۸۷). میشل فوکو؛ دانش، قدرت، نشر: هرمس.
- [۲۶]. کیت نش (۱۳۸۴). جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.
- [۲۷]. یزد خواستی، بهجت و حامد شیر (۱۳۸۷). ارزش های پدر سالاری و خشونت علیه زنان، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۳. زمستان ۱۳۸۷
- [۲۸]. امینی، محمد، حمید رحیمی، معصومه صالحی و سمیه موسوی (۱۳۹۲). ارزیابی میزان میزان مسئولیت پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۷/ سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲
- [۲۹]. احمدی، سیروس، اصغر میر فردی و قاسم زارعی (۱۳۹۲) بررسی رابطه ی مسئولیت پذیری و گرایش به صرفه جویی در مصرف آب. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی، (۵۰). شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲
- [۳۰]. احمدی، سیروس، اصغر میر فردی و قاسم زارعی (۱۳۹۲) بررسی رابطه ی مسئولیت پذیری و گرایش به صرفه جویی در مصرف آب. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی، (۵۰). شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲
- [۳۱]. صاحبی، علی، محسن زالی زاده و مسعود زالی زاده (۱۳۹۴). تئوری انتخاب؛ رویکردی در جهت مسئولیت پذیری و تعهد اجتماعی، رویش روان شناسی، سال ۴، شماره ۱۱، تابستان ۹۴
- [۳۲]. حسین چاری، مسعود و محمد مهدی فداکار (۱۳۸۴). بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارتهای ارتباطی بر اساس مقایسه دانش آموزان و دانشجویان، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره ی جدید، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۸۴
- [۳۳]. تقی پور، آذین، ریحانه دژبان، زهرا خادم دزفولی و عبدالزهر نعامی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی و سبک های حل تعارض مدیران با توانمندی کارکنان. پژوهشهای روان شناسی اجتماعی، دوره ی اول، شماره ۲.
- [۳۴]. حسین چاری، مسعود و محمد مهدی فداکار (۱۳۸۴). بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارتهای ارتباطی بر اساس مقایسه دانش آموزان و دانشجویان، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره ی جدید، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۸۴
- [۳۵]. تقی پور، آذین، ریحانه دژبان، زهرا خادم دزفولی و عبدالزهر نعامی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی و سبک های حل تعارض مدیران با توانمندی کارکنان. پژوهشهای روان شناسی اجتماعی، دوره ی اول، شماره ۲.
- [۳۶]. تقی پور، آذین، ریحانه دژبان، زهرا خادم دزفولی و عبدالزهر نعامی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی و سبک های حل تعارض مدیران با توانمندی کارکنان. پژوهشهای روان شناسی اجتماعی، دوره ی اول، شماره ۲.

<http://www.jhss.ir>

[۱۷] Turner. J.h.(2008). . Costruction of sociological theory . Editions: A.lahsaizadeh ,shiraz.Navid publication.

[۱۹]. Sarukhani, B.(2005).). Divorce a research in recognition of reality and it s reasons, Tehran, university Press.